



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

ابعاد احیاگری

امام حسین علیه السلام

در کلمات حضرت

و از دید امام خمینی (ره)

---

محمد علی برزنجونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابعاد احیاگری امام حسین (ع) در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)

نویسنده:

محمد علی برزنونی

ناشر چاپی:

محمد علی برزنونی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ابعاد احیای امام حسین (ع) در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	مقدمه
۷	هدف امام حسین احیای دین اسلام بود
۷	سابقه احیای دین
۷	ابعاد احیای امام حسین از دیدگاه امام خمینی
۷	احیای سنت و بدعت ستیزی
۱۰	اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی
۱۱	تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دین
۱۳	برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین
۱۵	پاورقی
۱۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ابعاد احیای امام حسین (ع) در کلمات حضرت و از دید امام خمینی (ره)

### مشخصات کتاب

نویسنده: محمد علی برزنونی

ناشر: محمد علی برزنونی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰

نوع جلد: شومیز

قطع: رقعی

### چکیده

واقعه کربلا را از زوایای گوناگون میتوان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. عمده تحلیلگران، این واقعه تاریخ‌ساز را از یک جنبه خاص مورد بررسی قرار داده و سایر جنبه‌ها را فرعی قلمداد کرده‌اند، اما باید در نظر گرفت که حرکت‌های انسانی عمدتاً چند بعدی است. علل و انگیزه‌های قیام را متعدد نوشته‌اند. در یک نگاه کلی میتوان این انگیزه‌ها و عوامل را در «احیای امام حسین (ع)» خلاصه کرد. در این مقاله کوشیده‌ایم با مراجعه به کتابها و بیانات حضرت امام خمینی «ره» نکات مرتبط با قیام امام حسین (ع) را استخراج کرده پس از دسته‌بندی عواملی که امام راحل «ره» حرکت سیدالشهدا را بر اساس آنها تبیین فرموده به مقایسه اجمالی آنها با خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان امام حسین (ع) پردازیم. اجمالاً موارد ذیل را میتوان به عنوان «ابعاد احیای امام حسین (ع)» از دید امام خمینی «ره» ذکر کرد: ۱- احیای سنت و بدعت ستیزی ۲- اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدل ۳- تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دینی ۴- برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین. با توجه به مطالب این مقاله، حرکت احیای امام (ع)، هم «پیرایشی» است و سعی در جلوگیری از انحراف اسلام و وارونه جلوه دادن آن و پیراستن اندیشه‌ها و باورهای جاهلی از دامن دین و نیز پیرایش باورهای خرافی و سنتهای فرهنگی مغایر با روح دین در جامعه دینی و به عبارت دیگر «بدعت ستیزانه» است و به «خالص سازی» دین نظر دارد و هم با تکیه بر ابعاد مغفول دین به احیای اندیشه امامت و ولایت در دین و به عبارتی «توانا سازی» دین همت می‌گمارد. هم در بعد نظری و اندیشه مسلمین دست به اصلاح میزند و هم در بعد عملی به احیای مسلمین می‌پردازد و با شهادت خود و اهل بیت و یارانش، فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین بلکه جهانیان را برمی‌انگیزاند.

### مقدمه

سخن گفتن از شخصیت عظیم و تاریخ‌سازی چون حضرت اباعبدالله حسین (ع) سید شهیدان، با توجه به ابعاد گونه‌گون حیات و شهادت آن حضرت، چندان آسان نیست. بهتر آن است که در بررسی گوشه‌ای از دوران نهایی حیات آن بزرگ، عنوان قلم را به بزرگمردی از سلاله حسین (ع) بسپاریم که در دوران جاهلیت معاصر با تکیه بر آموزه‌ها و مفاهیم بلند عاشورایی، نهضتی حسینی را برانگیخت و حکومتی را براساس دین در صحنه سیاست جهانی پدیدار ساخت و در این شرح و تفسیر از کلمات، خطبه‌ها و نامه‌های امام حسین (ع) نیز بهره‌گیری کردیم. در این تحقیق مختصر با مراجعه به کتابها و بیانات حضرت امام خمینی «ره» بویژه «صحیفه نور» نکات مرتبط با قیام حسینی را استخراج کرده و پس از دسته‌بندی عواملی که امام راحل «ره» حرکت سیدالشهدا را بر اساس آنها تبیین فرموده‌اند، به مقایسه اجمالی آن با خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان در بار امام حسین (ع) می‌پردازیم.

## هدف امام حسین احیای دین اسلام بود

به واقعه کثیرالاضلاع و پر جوانب کربلا، میتوان از زاویه‌های گوناگون نگریست و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. با یک نگاه به کتابهای تاریخی این نکته مشهود است که عمده آن کتابها، این حادثه را از جنبه‌ای خاص، مورد بررسی قرار داده و سایر جنبه‌ها را فرعی قلمداد کرده‌اند در حالیکه این نهضت به تعبیر استاد شهید مطهری از پدیده‌های چند ماهیتی و نهضتی متشابه، ذو وجوه، عمیق، چند بعدی، چند جانبه و چند لایه است؛ [۱] چرا که عوامل متعددی در آن دخالت دارند و علت تفسیرهای مختلف در مورد این قیام نیز محاذی بودن عناصر دخیل در آن است که در آن واحد، مقصدها و هدفهای مختلف داشته است. اصولاً این نکته را باید در نظر داشت که حرکت‌های انسانی عمدتاً چند منظوره است. برخی علت قیام حضرت را امتناع از بیعت با یزید می‌دانند و بعضی دیگر امر به معروف و نهی از منکر و عده‌ای هم دعوت کوفیان و تشکیل حکومت را علت‌العلل قیام ذکر می‌کنند. مسئولیت اجتماعی در حمایت از امت اسلامی و حفظ کیان اسلام، صیانت خلافت از انحراف‌های امویان، جلوگیری از ظلم و ستم امویان بر امت اسلامی خاصه بر شیعیان، از بین بردن بدعتها و احیای سنت، جلوگیری از محو نام آل الله (ع)، جلوگیری از تاراج بیت المال مسلمین، عمل به وظیفه شرعی و تکلیف دینی، اتمام حجت و تبلیغ دین و... از دیگر علل و انگیزه‌هایی است که نویسندگان در مورد این حادثه در کتابهای خود به آنها پرداخته‌اند. در یک نگاه کلی و دقیقتر، میتوان تمام انگیزه‌ها و علل و عوامل بر شمرده شده در خصوص قیام امام (ع) را در «احیای دین» خلاصه کرد. عزم امام حسین (ع) بر احیای دین بود.

## سابقه احیای دین

امام حسین (ع) را باید در زمره اولین احیاگران و مصلحان دینی بر شمرد. پیش از ایشان، حضرت علی (ع) حرکت احیای دین و اصلاحی خود را برای پیراستن زواید از چهره پاک اسلام و برقراری نظام عادلانه و احیای سنت رسول الله (ص) آغاز کرد و در این راه نیز به شهادت رسید. محور حرکت احیاگران حضرت علی (ع) حذف کژیها و برقراری عدالت اجتماعی بود و سرانجام، جان پاک بر سر این کار نهاد. [۲] پس از ایشان حکومت در اختیار بنی‌امیه قرار گرفت و با برنامه ریزیهای حذفی و تدریجی به مسخ چهره اسلام پرداختند و در این راه بسیار موفق شدند. امام حسین (ع) با شعار اصلاح به پا خاست و دین را به عنوان تنها عامل نجاتبخش جامعه اسلامی آن روز مطرح فرمود. در دوران حاکمیت معاویه هم در اثر ناتوانی عامه مردم در درک واقعیات و شناخت راه درست مبارزه با دشمنان و هم به لحاظ عمق و گستردگی دشمنی سنجیده و برنامه‌ریزی شده بنی‌امیه با اسلام، دین، عامل تخدیر جامعه اسلامی و مسلمانان آن روز و به قدرت رسیدن زورمداران و زرداران در آن روزگاران شده بود؛ به گونه‌ای که با سلاح اسلام به جنگ با اسلام برخاسته و با قدرتی که اسلام در اختیار آنان گذارده و با نیروهایی که داعیه دینداری داشتند به مبارزه با اسلام و متولیان آن پرداخته بودند.

## ابعاد احیای امام حسین از دیدگاه امام خمینی

اجمالاً- موارد ذیل را میتوان به عنوان «ابعاد احیای امام حسین (ع) از دید امام خمینی (ره)» ذکر کرد. ۱- احیای سنت و بدعت ستیزی ۲- اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی ۳- تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دینی ۴- برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین

## احیای سنت و بدعت ستیزی

محور اساسی کلمات امام راحل «ره» درباره قیام سیدالشهدا (ع) «احیای سنت و از بین بردن بدعت» است. تکیه امام بر این نکته جای تأمل دارد و برجستگی آن را نشان می‌دهد. امام «ره» می‌فرماید: «یزید (عهد خدا را شکسته است و سنت پیامبر را مخالفت کرده است و حرمت الله تعالی را نکث کرده است). (صحیفه نور - ج ۴ - ص ۴۲)». آنها میخواستند اصل اسلام را از بین ببرند و یک مملکت عربی درست کنند. (صحیفه نور - ج ۱۳ - ص ۵۸)». اگر نبود این نهضت...، یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند (صحیفه نور - ج ۱۷ - ص ۵۸). کربلا نهضت احیای سنتها و زدودن بدعتها و انحرافهای دینی و سیاسی بود. امام (ع) مفاهیم مکتب اسلام را از میان رفته می‌دید چرا که معاویه پس از صلح با امام حسن (ع) و آسوده شدن از جانب او، برای بقای خود و جلوگیری از سقوط سلطنت فاسد خود و حفظ آن در خاندان خود، با شدت هر چه تمامتر به تحریف اسلام و آلودن مکتب دست زد. برای نابودی ایدئولوژی اسلامی و تحریف آن به صورتی که معارض با سلطنت او و فرزندش نباشد. سعی بسیار کرد و در این کار نیز توفیق یافت. جعل حدیث از راه تهدید، تطمیع و خریداری حدیث دروغ به نقل از پیامبر (ص) و نیز دگرگون سازی احادیث نبوی و توجیه آنها به نفع بنی‌امیه و علیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری استخدام عامل روحانیت به وسیله علمای سوء [۳] کاری رایج شد. از سوی دیگر بنی‌امیه با سازماندهی جریان‌ات اعتقادی انحرافی و ایجاد فرقه‌های مذهبی به نام اسلام مثل «مرجئه» و «جبریه» حکومت خود را توجیه میکردند؛ حتی معاویه اغلب برای توجیه حکومت خود به آله کریمه «یؤتی الملک من تشاء» استناد می‌جست و یزید نیز در وقت آوردن سر مبارک امام شهیدان (ع) نزد او، آیه شریفه «قل اللهم مالک الملک» (آل عمران - ۲۶) را خواند. احیای ارزشهای قومی و قبیله‌ای، دامن زدن به آتش امتیازات و تعصبات نژادی و مفاخرات قومی، باب کردن طعن و هجو قبایل نسبت به یکدیگر و فضیلت عرب بر عجم و قریش بر غیر قریش، ترویج اشعار، خاصه اشعار جاهلی به جای قرآن و حدیث و نیز ترویج باورها و سنتهای جاهلیت که با روح دیانت پیامبر مخالفت داشت، از دیگر کارهای معاویه و بلکه بنی‌امیه بود، برای نمونه ابن‌خلکان ضمن شرح حال ابو عبیده نحوی مینویسد: «و ذکر المبرد فی کتاب الکامل ان معاویه بن ابی سفیان الاموی قال: اجعلوا الشعر اکبر همکم و اکثر آدابکم فان فیه مآثر اسلافکم و مواضع ارشادکم» [۴] و سپس به ذکر خاطره‌ای از معاویه می‌پردازد که در هنگامه کارزار و سخت شدن جنگ بر او، قصد فرار داشته اما با یادآوری یکی از اشعار جاهلیت، دوباره به جنگ روی آورده است. جاحظ امویان را نخستین کسانی میدانند که آشکارا در تاریخ اسلامی، رسوم و آداب غیر اسلامی را بدعت گذاشتند و کوشیدند تا از شاهنشاهی ایران و بیزانس تقلید کنند و خلافت را به امپراتوری کسری و قیصر تبدیل سازند. [۵] اسلام آوردن امویان صرفاً به خاطر حفظ مصالح و منافع شخصی خودشان بود. اسلام را نه به عنوان دین بلکه به مثابه عاملی برای رسیدن به مطامع خود قلمداد می‌کردند. ابو سفیان پس از به خلافت رسیدن عثمان، سخنی دارد که نشانگر عمق دشمنی او با اسلام و نگرش و تلقی او از دین است. در روز اول خلافت عثمان گفت: «یا بنی‌امیه تلقفوها تلقف الکره، اما والذی یحلف به ابوسفیان لا جنه و لا نار» [۶] و چه خوب به نصیحت ابوسفیان گوش کرده، عمل کردند. معاویه به موازات ایجاد انحراف در عرصه نظری از طریق تحریف در ایدئولوژی، در عرصه اجتماعی نیز با ایجاد رعب و وحشت به مهار توده‌ها دست زد و با برافروختن آتش اختلاف نژادی و طبقاتی و کینه‌های قومی و قبیله‌ای به روشهای مختلف در سرکوب مخالفان کوشید؛ با جاسوسی، ترور، مسموم کردن، کاهش مستمری مردم عراق و افزایش مستمری اهل شام با این توجیه که بیت المال در اختیار امام است و هر چه خود خواهد میکند... پس از معاویه، یزید که با تربیت قبیله‌ای و در بیابان پرورش یافته و از سیاست، بویی نبرده بود، خلافت را بدست گرفت. او از اسلام هیچ نمی‌دانست. علناً مجلس شراب و لهو و لعب برپا میکرد و مرتکب اعمالی میشد که با حیثیت دین و خلافت دینی مخالف بود. در «مروج الذهب» مسعودی چنین می‌خوانیم: «او مردی عیاش بود. سگ و میمون و یوز و حیوانات شکاری نگه میداشت. شرابخواره، و همواره به لهو و لعب سرگرم بود. میمونی داشت که کتیه او را ابوقیسیس گذارده بود و او را در مجلس شراب خود مینشانید و متکایی برایش می‌نهاد و گاه او را بر خر وحشی تعلیم یافته‌ای که زین و لگام داشت می‌نشانید و آن



را به مسابقه با اسبان وامی داشت. ابوقییس قبایی از حریر سرخ و زرد به تن و کلاهی از دیبای الوان به سر داشت. خر وحشی نیز به زینی از حریر سرخ منقش و رنگارنگ مزین بود. اما این سبکسریها و زشتکاریهای او نه تنها از سوی اطرافیانش تقیح نمیشد بلکه آنان برای خوشامد وی پیوسته زبان به مدح و تمجید می گشودند و شاعران درباری برایش مدیحه‌های گوناگون می سرودند.» [۷]

یزید پس از وارد شدن اهل بیت با حال اسارت به شام، در هنگام زدن چوب بر دندانهای سر مبارک اباعبدالله (ع) شعری را از عبدالله زبیری میخواند که بیانگر عمق بی اعتقادی او بود: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل [۸]. بنی هاشم با پادشاهی و سلطنت بازی کردند. نه خبری آمد و نه وحیی از آسمان نازل شد. در جای دیگر با به سخره گرفتن دین و احکام و شعایر آن میگوید: اگر شراب در دین محمد حرام است تو آن را با دین مسیح بنوش. [۹]. در آن روزگاران می بینیم که دینداران حقیقی در اقلیت به سر میبردند. ارزشهای جاهلی که پیامبر در قلع و قمع آنها و دگرگونی آنها به شعایر دینی تلاش بسیار کرد، دوباره سر برآورده، حیات مجدد یافتند. رقابتها و دسته بندیهای قومی و قبیله‌ای آغاز شد و کوتاه سخن اینکه اسلام رنگ دیگر یافت و چهره پاک و نورانی آن زیر پرده زر و زور و تزویر بنی امیه پوشیده ماند و جلوه وارونه و دگرگون آن نمود پیدا کرد و به تعبیر امام خمینی «ره»: «اینها میخواستند که الله را بردارند و طاغوت را جایش بنشانند، همان مسایل جاهلیت و همان مسایل سابق» (صحیفه نور - ج ۷ - ص ۳۷) «اینها پدر و پسر، اسلام را وارونه داشتند نشان میدادند» (همان. ص ۲۳۰). امام (ع) حرکت احیای خود را از زمان معاویه آغاز کرد. در سال ۵۸ هجری دو سال قبل از هلاکت معاویه در منی خطبه‌ای خواند و در آن با ذکر شمه‌ای از فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) و خاندان عصمت و طهارت و با بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، مردم را به آن فراخواند. با مورد خطاب قرار دادن علما، وظیفه آنان را در مقابل ظلم و ستم بیان کرد. توجه به معنای خطبه و فقرات شریف آن و نیز جو اختناق و وحشت و خفقان حاکم بر جامعه اسلامی آن روز، چه بر علما و چه بر عوام، اهتمام امام (ع) را به بازگرداندن مکتب اصیل به راه صحیح و جلوگیری از انحرافها نشان میدهد. [۱۰]. امام (ع) در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم مبنی بر بیعت با یزید که به زعم او به خیر و صلاح امام و به نفع دین و دنیای ایشان است، با خواندن آیه استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون) فرمود، حال که امت به فرمانروایی مثل یزید گرفتار شده باید فاتحه اسلام را خواند. [۱۱] این سخن، گویای عمق فاجعه و فساد و نیز ژرف بینی و درایت و شجاعت امام (ع) است. در وصیت معروف امام (ع) خطاب به برادرش محمد حنفیه پس از شهادت به الوهیت و رسالت و بهشت و دوزخ و روز قیامت و حشر، چنین میخوانیم: «من از روی سرکشی و خودخواهی و سرپیچی و برای فساد و ستمگری از مدینه خارج نشده‌ام بلکه خواسته من از سفر، اصلاح مفاصد در امت جدم رسول الله (ص) است» می‌خواهم... سیره و روش جد و پدرم را سیره و روش خودم قرار دهم (و سنت و قانون جد و راه و روش پدر را احیا کنم)». [۱۲]. حدود پنجاه سال از رحلت پیامبر (ص) بر مردم گذشته است. در طول این مدت جز چند سالی که خلافت را علی (ع) عهده دار بود - و البته عمده دوره خلافت ایشان به جنگ با ناکثین و قاسطن و مارقین گذشت - سنت پیامبر (ص) دگرگون شده و شکل دیگری به خود گرفته بود. جو خفقان بار حاکم، عالمان را ملجم و جاهلان را مکرم می داشت و علاوه بر ظلم و ستم اموی، فساد شیوع یافته و احکام اسلام تغییر یافته بود و به تعبیر امام راحل «ره» می رفت که مکتب «با کج رویهای تفاله جاهلیت و برنامه‌های حساب شده احیای ملی گرایی و عروبت... محو و نابود شود... و اسلام و وحی را به انزوا کشاند.» (صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۱۸۱). در نامه‌ای که پس از ورود به مکه، خطاب به مردم بصره و سران قبایل آن شهر نگاشت، اشاره میکند که «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرامی خوانم چرا که در حال حاضر با وضعیت موجود، سنت پیامبران از میان رفته و بدعتهای جاهلی جای آن را فرا گرفته است.» [۱۳]. نیز پس از روبرو شدن با سپاهیان حر، در یکی از منازل، خطاب به آنان با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص) چنین میگوید: «ای مردم پیامبر خدا فرمود: هر کس با ستمگری روبرو شود که حرام خدا را حلال شمرده و پیمان الهی را در هم شکسته و با سنت پیامبر مخالفت میکند، در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل میکند ولی او در مقابل چنین سلطانی با کردار یا گفتار اظهار مخالفت نکند بر خداوند است که

او را در محل عذاب آن سلطان داخل کند. آگاه باشید که اینان (بنی‌امیه) پیروی از شیطان را بر خود لازم و اطاعت از رحمان را ترک نموده‌اند. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند. فیء را به خود اختصاص داده، حرام خدا را حلال و حلال را حرام شمردند. [۱۴]. این عبارات بدون شرح و تفصیل، بیانگر وخامت اوضاع جامعه مسلمانان در آن روزگار است. حکومت اموی با ملعبه قرار دادن اسلام و تشبث ظاهری به آن و با نام خلافت رسول الله (ص)، تیشه به ریشه دین میزند و به تغییر و تحریف احکام اسلام و قوانین پیامبر و بازگرداندن خرافات و باورهای جاهلی همت می‌گمارد و امام (ع) با تعبیر «من رأی» وظیفه عموم مسلمین و خصوصاً عالمان دینی را بیان می‌کند. امام (ع) پس از ورود به کربلا در دوم محرم سال شصت و یک هجری در اولین خطبه خود، اوضاع دگرگون زمان، آشکار شدن زشتیها، سرکوبی نیکبها و زندگی ننگین و ذلت‌بار مردم را، که نه به حق عمل و نه از باطل جلوگیری میشود، بیان می‌کند و مرگ را سعادت و زندگی با ستمکاران را رنج و نکبت می‌شمارد. [۱۵]. از مجموع این مطالب درمی‌یابیم که امام (ع) برای حفاظت از کیان اسلام و حمایت از آن و جلوگیری از محو نام خاندان رسول خدا نابودی اسلام و هدر رفتن زحمات پیامبر خاتم به پاخاست و در راه احیای سنت اصیل و از بیان برای بدعتها از همه چیز خود گذشت. او با پیرایش باورهای جاهلی از دامن دین و نیز پیرایش ارزشها و سنتهای فرهنگی منافی با روح دین در جامعه دینی آن روز و هر روز سعی در خالص‌سازی دین و توانا ساختن آن کرد. تعبیر «الاسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء» مشهور است. پیامبر علت موجدۀ دین و ائمه هدی علل مبقیۀ دین شریف هستند. امام راحل «ره» معتقدند «که سیدالشهدا مذهب را بیمه کرد، با عمل خودش اسلام را بیمه کرد» (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۶) «و این حرکت اسلامی-سیاسی بود که بنی‌امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود اسلام پایمال شده بود.» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۰).

### اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی

انگیزه دیگر قیام، عمل به تکلیف دینی امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدالت اجتماعی است. به احکام اسلامی عمل نمیشود و معطل گذارده شده است. جامعه در فساد و ظلم و جهل غوطه‌ور است امر به معروفی و ناهی از منکری باید تا با فریاد به تغییر اوضاع دست زند و جامعه را اصلاح کند. حضرت امام «ره» در این باره چنین فرموده است: -سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود. فرمودند که می‌بینید که معروف عمل نمیشود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد. (صحیفه نور، ج ۲۰ - ص ۱۸۹). پیامبران با کتاب و دلایل روش و معیار سنجش حق و باطل فرستاده شدند تا قسط و عدالت را در میان مردم برپا کنند. [۱۶]. وظیفه اصلی ائمه معصومین که وارثان انبیا هستند - بنا بر زیارت مشهور وارث امام حسین (ع) وارث انبیا از آدم تا خاتم است. - نیز هدایت و رهنمونی مردم در برپایی قسط و عدل خواهد بود. در حرکت آگاهانه امام (ع) یکی از اهداف غایی، اقامه احکام اسلام، برقراری نظام قسط و عدل و آزادی و در نهایت استقرار حاکمیت اسلام است. موضعگیریهای ضد اسلامی نظام اموی و فساد اجتماعی و اداری و مالی حاکم و شیوع ظلم و استبداد و ترک امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلمه نبودن عدالت و رواج منکر، عامل مهم حرکت امام (ع) بود؛ چرا که سکوت مطلق در برابر ظلم و فساد شایع بر خلاف تعلیمات اولیه اسلامی و به مثابه تأیید آن است. هدف امام (ع) هدف اصلاحی وسیع در سطح جامعه اسلامی آن روز برای حفظ حمایت دین شریف و برپایی شعائر ایمانی و اقامه اصول و ارزشهای انسانی خاصه عدل و آزادی بوده است. امام حسین (ع) یک مصلح بزرگ دینی بود و به تعبیر امام خمینی «باید قیام بکنند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند» (صحیفه نور ج ۲ ص ۲۰۸). عنصر امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه و اقامه عدل الهی بارها در کلمات امام (ع) آمده است و علت‌العلل قیام را تشکیل میدهد. با نگاهی دقیقتر، حتی بعد احیای سنت و بدعت ستیزی نیز در قالب امر به معروف و نهی از منکر می‌آید. امر به معروف و نهی از منکر گرچه در فقه و جزو ابواب فقهی مطرح است. اما بخشی صرفاً فقهی نیست. واجب برتر و

فریضه‌ای است که مبنای پایه و اساس فرایض دیگر محسوب می‌شود. نقش کلیدی و حیاتی دارد که حتی قوام و پایداری دین و شعائر ایمانی نیز در سایه آن است. حضور این اصل مهم را در قرآن کریم و در روایات و احادیث منقول از معصومین (ع) بطور جدی می‌بینیم؛ حتی سبب عذاب و هلاکت اقوام گذشته، که ذکر آنها در قرآن آمده، ترک این فریضه دانسته شده است. [۱۷]. قرآن، علت انقراض ملل و عدم برپایی کامل قوانین انبیای الهی را نبودن امر به معروف و نهی از منکر میدانند. در آخرین وصیت حضرت علی (ع) خطاب به فرزندان و اهل بیت پاکشان چنین می‌خوانیم «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرارتان بر شما مسلط می‌گردند و شما هر چه دعا کنید به هدف اجابت نمی‌رسد». [۱۸]. تبلور عینی این اصل را در حرکت امام حسین (ع) و سخنان و نامه‌های آن حضرت می‌بینیم. از سخنان آن حضرت خطاب به مروان بن حکم و در جواب پیشنهاد بیعت با یزید استفاده می‌شود که اگر نهی از منکر نشود گرفتاریها بیشتر می‌شود. [۱۹]. در زیارات وداع کنار قبر مطهر جدش رسول خدا تأکید می‌کند که بارخدایا من معروفها و نیکيها را دوست دارم و از منکرها و بدیها بیزارم. [۲۰]. دو سال پیش از مرگ معاویه، امام (ع) خطبه‌ای در منی ایراد کرد و در آن با خطاب قرار دادن همه مسلمانان و بلکه همه مردم -چه حضرت با جمله «اعتبروا ایها الناس...» آغاز سخن کرد و گویا همه انسانها را در همه زمانها و مکانها مورد خطاب قرار داده است نه گروه خاص و زمان و مکان خاصی را - به ذکر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و تلویحا سهل‌انگاری و مسامحه آنان را در کوتاهی از انجام این تکلیف مهم دینی نکوهش کرد. امام (ع) ضمن اینکه آیاتی چند از کلام‌الله مجید را درباره این اصل مورد استناد قرار داد، چنین فرمود: «خداوند (در آیه سوره توبه) المؤمنین و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» در شمردن صفات مؤمنان از امر به معروف و نهی از منکر آغاز می‌کند و آن را فریضه و واجب می‌شمارد. چه میدانند که اگر آن اصل انجام گرفته و بر پاشود. همه واجبات از واجبات آسان تا فرایض سخت‌تر برقرار خواهد شد؛ بدین سبب که امر به معروف و نهی از منکر دعوت و فراخوانی به اسلام است و نیز بازگرداندن حقوق ستم‌دیدگان بر آنان و مبارزه با ستمگران و توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی و غنیمتها و جمع‌آوری صدقات و مالیاتها از موارد صحیح و صرف آن در موارد درست است. [۲۱]. این عبارت صریحا نشان‌دهنده این است که در صورت برقراری امر به معروف و نهی از منکر، همه واجبات الهی از کوچک و بزرگ عملی خواهد شد و مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد گردید. [۲۲] به همین دلیل، امام (ع) از ابتدای قیام شکوهمند خود و در جای جای آن بر این اصل مهم تکیه، و آن را انگیزه قیام عرفی می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر که اگر برپا شود، جامعه، اصلاح، عدل، اقامه و دین شریف، احیا خواهد گشت. [۲۳].

### تشکیل حکومت دینی به جای حکومت غیر دین

از دیگر نکاتی که امام راحل و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در بیانات خود بدان اشاره کرده‌اند، انگیزه تشکیل حکومت است. امام «ره» چنین آورده است. - او (امام حسین (ع) مسلم بن عقیل را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل دهد و این حکومت فاسد را از بین ببرد. (صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۷۴). - ایشان متوجه بوده است که چه دارد می‌کند... بلکه آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد. اصلا برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می‌کنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامد، خیر، اینها برای حکومت آمدند. برای اینکه باید حکومت دست مثل سیدالشهدا باشد. مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند، باشد. اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۰). اساسا لازمه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه وسیع و همه جانبه با مفسدات اجتماعی و سنتها و باورهای جاهلی و انحرافات و... دستیابی به قدرت است. [۲۴]. انحراف نظام اموی از علل مهم قیام امام (ع) است. امام (ع) می‌خواست حاکمیت موجود را نفی کند و بساط بنی‌امیه را درهم پیچد و حکومت اسلامی برقرار سازد به عبارت دیگر هم مشروعیت حکومت

وقت زیر سؤال بود و هم کار آمدی آن؛ لذا می‌بینیم که امام (ع) در تقابل با نظام سیاسی حاکم بیعت نمی‌کند چرا که بیعت به مثابه تأیید حکومت ضد دینی یزید و قانونی بودن و مشروعیت بخشیدن بدان و صحنه گذاردن بر مفساد و ظلمهای رایج و کارآمدی نظام و در نتیجه ضربه به اسلام و کیان دین بود. امام راحل «ره» می‌فرماید: «پس از رحلت رسول اکرم (ص) معاندین و بنی‌امیه لعنهم الله اساس حکومت را دگرگون کردند. برنامه حکومتشان بیشترش با برنامه اسلام مغایرت داشت... رژیم حکومت کاملاً وارونه و سلطنتی شد... شرع و حق حکم میکند که باید نگذاریم وضع حکومتها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند.» [۲۵]. در سخنان حضرت سیدالشهدا خطاب به ولید بن عتبه استاندار مدینه چنین می‌خوانیم: «ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و نزول رحمت خدا هستیم. اسلام با ما آغاز و با ما نیز ختم خواهد شد. یزید مردی است شرابخوار و کشنده افراد بیگناه و آشکار کننده فسق و فجور. شخصی چون من با فردی چون او بیعت نمی‌کند. آینده را نظاره‌گر باشیم تا ببینیم کدامیک از ما به خلافت و حکومت و بیعت امت اسلامی شایسته‌تر است.» [۲۶]. امام (ع) با شمردن صفات آشکار خاندان پیامبر و نیز ویژگیهای منفی یزید، که عنوان خلیفه مسلمین را بر خود نهاده است، بیعت را رد و شایستگی خود را برای خلافت و عدم صلاحیت یزید را برای حکومت تصریح میکند. عبارت «مثلی لا یباع مثله» حاوی نکات ظریفی است و وظیفه امثال امام حسین (ع) را در برابر امثال یزید بن معاویه در هر عصر و نسلی بیان می‌کند. نیز امام در سخنان دیگری خطاب به مروان حکم با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص)، خلافت را بر آل ابوسفیان حرام میدانند. [۲۷] در نامه امام به مردم بصره با توضیح در مورد خاندان پیامبر و شایستگی آنها به مقام خلافت و رهبری و اینکه سکوتشان به دلیل عدم ایجاد تفرقه میان امت اسلامی بوده است. آنها را دعوت به کتاب خدا و سنت رسول می‌کند. [۲۸] سکوت خاندان رسول (ص) در برابر غاصبان اولیه خلافت به دلیل جلوگیری از تفرقه و تشتت جامعه اسلامی بود. افزون بر اینکه در آن جامعه عدالت بطور نیم‌بند مراعات می‌شد. در نتیجه معصوم (ع)، سکوت را ترجیح می‌دهد و تنها انحرافات را گوشزد و اصلاح می‌کند. اما با رسیدن حکومت به بنی‌امیه انحراف شدید ایجاد شد و اسلام در خطر به فسق و فجور علنی گردید. در همین نامه است که حضرت (ع) خطاب به مردم بصره مینویسد: «سنت رسول از بین رفته و بدعتها جای آن را گرفته است.» به تعبیر امام خمینی «ره» «اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام، لکن محتوا بر خلاف، نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم، حاکم اسلامی» (صحیفه نور، ج ۸ ص ۴۴) اگر (اسلام) نسیان شده بود یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید یک رژیم اسلامی را، رژیم طاغوتی داشتند معرفی می‌کردند. (همان، ص ۷۰). پس از دریافت نامه‌های مردم کوفه که به قولی به دوازده هزار میرسید با فرستادن مسلم بن عقیل برای ارزیابی اوضاع کوفه، نامه‌ای نیز به مردم کوفه فرستاد که در آن شرایط امام (ع) «العامل بالكتاب» «الاحذ بالقسط» «الدائن بالحق» و «الحابس نفسہ علی ذات الله» می‌شمارد و می‌گوید: «به جانم سوگند، امام کسی است که به کتاب خدا عمل کند و قسط و عدل پیشه سازد و پیروی از حق کند و وجودش را فدای فرمان الهی گرداند.» [۲۹]. امام (ع) در این نامه صریحاً شرایط رهبری و پیشوایی را عامل بودن به کتاب و رعایت قسط و عدالت اجتماعی و دنباله روی حق و خلوص لله میدانند. با توجه به وضعی که مردم در یزید سراغ داشتند و شناختی که از امام (ع) دارا بودند، انحصار آن ویژگیها را در امام میدیدند. گرچه به تعبیر فرزدق، دلشان با امام (ع) اما شمشیرشان علیه امام بود؛ به دیگر سخن قدرت اراده از آنها سلب شده بود. حرکت امام (ع) ناظر به دستیابی به قدرت به عنوان ابزار اصلاح جامعه در ابعاد گوناگون و به دست آوردن حکومت است. کوفه، از آنجاکه یکی از مراکز عمده ارتش اسلام است و از سوی دیگر کوفیان، نامه‌های بسیار مبنی بر بیعت با او فرستاده‌اند و زمانی حکومت ظاهری پدر بزرگوارشان علی (ع) و مرکزیت کشور اسلامی در همین شهر بوده است، اهمیتی استراتژیکی و سوق الجیشی دارد. پس برای این حرکت انتخاب میشود. به تعبیر حضرت (ع) در جواب فرزدق، اگر پیشامدها بر طبق مراد حضرت باشد، سپاسگزار نعمتهای اوست و اگر نه، کسی که تقوا بر دلش حاکم، و نیت او حق است، از مسیر صحیح خارج نشده است. [۳۰]. بردباری امام در مسیر کربلا، استواری در تصمیم، راه

ندادن سستی و ضعف در عمل و قوت بخشیدن به یاران و همراهان از جمله مواردی است که یک رهبر مصلح باید دارا باشد و حد اعلائی آن را در امام (ع) نظاره‌گریم. امام (ع) در مقابل سپاهیان حر، که با او به نماز ایستاده بودند، اتمام حجت‌هایی کرد و اهل بیت را شایسته‌تر به ولایت و رهبری و حکومت معرفی کرد و بنی‌امیه را مدعیان به ناحق، حکومت‌کنندگان به زور و ستمگر و دشمن مردم نامید. [۳۱] دو سال قبل از به هلاکت رسیدن معاویه در خطبه‌ای که در منی در حضور جمع کثیری از مسلمانان از صحابه و تابعین ایراد کرد با شمردن فضایل امیرالمؤمنین (ع) و خاندان عصمت و طهارت، انحراف مسلمانان را از مسیر صحیح ولایت و امامت و غفلت از وصایای حضرت رسول (ص) را گوشزد کرده است. [۳۲]. انحرافی که بلافاصله پس از رحلت پیامبر با کنارگذاری اهل بیت آن حضرت از مناصب اجرایی و حکومت آغاز شد و رفته رفته به آنجا رسید که پس از پنجاه سال نسبت به فرزند رسول خدا و خاندان و یاران ایشان اعمالی را مرتکب شدند که حتی در عرب جاهلیت نیز سابقه نداشت و قلم از نوشتن و زبان از بیان آن شرمگین است. درد اینجاست که ارتکاب آن اعمال «قربه‌الی الله» صورت گرفت. پشت سر امام (ع) نماز خواندند و بعد سر او و یارانش را برای رضای خدا بریدند و خاندانش را به اسارت بردند. چرا چنین شد؟ و چرا چنین کردند؟ ریشه‌های تاریخی آن از کجا آغاز میشود؟ این قبیل سؤالات پژوهش تاریخی عمیقی را می‌طلبد که از فرصت این نوشتار خارج است. سخنان امام (ع) و قیام او برای احیای اندیشه امامت و ولایت بود. اندیشه‌ای که بعد از رحلت پیامبر ختمی مرتبت به فراموشی سپرده شد و جامعه اسلامی با انحراف از حق، امام اصل را کنار گذاشته و موجبات انحراف مطلق در زمان آینده را فراهم آوردند. امام حسین (ع) در برابر این انحراف مطلق ایستاد و حکومت ضد دینی یزید را که برای ریشه‌کنی دین و احیای ارزشها و سنتهای جاهلی دست به تلاش گسترده و وسیع زده بود، غیر قانونی اعلام کرد. برای انتقال قدرت به معدن اصلی آن و جایگزینی حکومت دینی به جای حکومت ضد دینی دست به قیام زد. قیامی که سدی در برابر انحرافات رایج حکومت وقت و فسادهای شایع زمان و حرکت سریع تخریبی و سیاستهای ضدی دینی بنی‌امیه، خاصه یزید است.

### برانگیختن فطرت سلیم و روح غیرتمندی و آزادگی مسلمین

از دیگر نکات مهم در قیام عاشورایی حسین (ع)، بیدار کردن وجدان خفته و برانگیختن روح غیرتمندی و آزادیخواهی در انسانها بود. امام راحل «ره» در این زمینه فرموده‌اند: سید شهیدان و سرور اولیای خدا... با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر (صحیفه نور - ج ۲ - ص ۱۱). عاشورا... فریاد زن «هیئات منا الذلّة» (است). (صحیفه نور - ج ۱۶ ص ۱۸۱) امت اسلامی در زمان پیامبر (ص) عاطفه شدید مکتبی داشتند. اما آگاهی عمیق عقیدتی در پیروان هنوز به وجود نیامده بود. پس از رحلت پیامبر (ص) در نتیجه خطاها و کوتاهیهای پیاپی، که مسلمانان در اثر روی آوردن و اقبال به دنیا در اثر هجوم ثروتها و غنایم جنگی و بیدار شدن طمع نهفته در درونشان، در زندگی علمی و عملی خود مرتکب شدند، همان عاطفه مکتبی نیز بتدریج از کف رفت. شدت هیچیک از خطاها و کوتاهیها به تنهایی احساس نمیشد اما وقتی بر هم انباشته شد به فساد تحویل یافت و فساد به فتنه تغییر قیافه داد. [۳۳]. مسلمانان در اثر روی آوردن به منافع حقیر دنیایی در غفلت به سر می‌برند. و وجدانشان خفته بود. همت عمیق مکتبی که زمانی آنان را برای ابلاغ پیام دین حق به سایر سرزمینها کشانده، ضعیف شده بود. بی‌ارادگی، ضعف در تصمیم، خواری روح، ذلت امت و تخدیر شدید دینی مسایلی بود که در جامعه آن روز دیده میشد. عواطف امت در گیر واقعیات متناقض بود. سخن فرزدق خطاب به سیدالشهدا (ع) که «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» [۳۴] تفسیری جامع و تفسیری دقیق از جامعه بی‌اراده آن زمان بود. آری آنان مالک اراده خود نبودند و ندای دل و عواطف و فریاد وجدانشان برخلاف اعمال جنایت بارشان بود. درک میکردند اما نمی‌توانستند خود را دگرگون سازند. امام را می‌شناسند و دوری بنی‌امیه را اسلام نیز میدانند، اما زمینه‌هایی مانع از بروز برخورد

با انحرافات میشود. طمع به مال و منال و پست و مقام، سرگرم شدن به مطامع دنیا، سلطه بنی‌امیه و استبداد معاویه و یزید که بر آنها حکومت میراند. کم‌رنج شدن انگیزه و غیرت دینی مردم، زمینه را برای تحقق فسادهای نظام اموی آماده کرد. همه چیز در نظر آنان بی‌ارزش مینمود. عقیده، عواطف، احساسات، و ارزشهای دینی در مقابل حیات محسوس ظاهری این جهانی بی‌بها بود. حیاتی که توأم با ذلت و خواری و بندگی میگذشت. سرکوبی، قتل، غارت، تعصبات قبیله‌ای و مفاخرات قومی و باورهای جاهلی که پیامبر رحمت، تلاش گسترده و سعی وافر در از بین بردن آنها داشت مجدداً رواج پیدا کرد. بدتر اینکه وفای به عهد و پیمان که در جاهلیت نیز مرسوم بود از سوی بنی‌امیه و بالتبع مردم که «الناس علی دین ملوکهم» زیر پا گذاشته شد و غدر و خیانت و... رایج گردید. سکوت کشنده و آزار دهنده همراه با تأییدهای منفعت طلبانه و سودجویانه از سوی علمای سوء و دین به دنیا فروش که به استخدام طاغوت زمان درآمده بودند، همه و همه و... مجموعه عوامل بیرونی و درونی، تغییرات عجیب روحی و نهادی در امت اسلامی ایجاد کرد و می‌رفت که زحمات جانفرسای پیامبر خاتم و صحابه گرانقدرش به کلی پایمال شود. طبیعی دلسوز باید تا عمق بیماری و فاجعه را دریابد و به طبابت دلسوزانه پردازد. هدف امام (ع) ایجاد تغییر بود. میخواست فطرت سلیم انسانی، روح غیرتمندی و آزادنشی مسلمانان و بلکه آدمیان را برانگیزد و در روح و نهاد آنان دگرگونی ایجاد کند. حرکت امام (ع) عدم بیعت با یزید، قبول دعوت کوفیان و سپس مبارزه شجاعانه و شهادت وسیله‌ای برای به حرکت درآوردن جامعه، شوراندن انگیزه‌ها، بیدار کردن وجدان عمومی مردم و احساسات و عواطف عمیق مذهبی و ایجاد آگاهی مکتبی و احساس مسئولیت در مردم بود. حرکت امام (ع) فریادی بود در سکوت و شعله‌ای بود در تاریکی ظلمانی جاهلی و تلنگری بود بر وجدان خفته مردم آن روزگار و پیامی برای جهانیان آزاد اندیش و آزاد مرد. از بیان امام (ع) در کنار قبر جد بزرگوارش رسول خدا (ص) و گلایه و کثوه حضرت (ع) از مردم، [۳۵] میتوان وضعیت ناگوار جامعه آن روز را دریافت. جامعه‌ای که حتی عواطف مکتبی خود نسبت به رسول و اهل بیت پاکش را بتدریج از کف داده بود. در پاسخ پیشنهاد بیعت از سوی یکی از نزدیکانش [۳۶] فرمود: «به خدا قسم من هیچگاه زیر بار ذلت نخواهم رفت.» [۳۷] و در جواب برادرش محمد حنفیه میگوید: «برادر اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و مأوای نباشد باز هم با یزید بیعت نخواهم کرد» [۳۸] روح آزادگی و آزادمردی و غیرتمندی و پرخاشگری نسبت به فساد مسلط حاکم را در این عبارات میتوان دید. از بیانات امام (ع) آشکارا تحقیر مرگ دریافت میشود و این در تحقیر زمانی که سرگرم شدن به مطامع دنیا و دلبستگی شدید به منافع مادی، روحیه تسلیم و غفلت و فرار از مرگ را در جامعه رواج داده، خیلی معنادار است. تفسیر جدیدی که او از مرگ ارائه کرده، درس آموز است. اعلام آمادگی برای شهادت در کنار مرقد مطهر رسول خدا، [۳۹] پاسخهای متعدد به اطرافیان پاسخ ایشان به عبدالله بن عمر و اشاره به ماجرای کشته شدن یحیی بن زکریا [۴۰] که در طول سفر خود بارها از آن یاد میکند. نامه‌اش به بنی‌هاشم [۴۱] خطبه حسین (ع) در مکه، که در آن مرگ را چون گردنبندی برگردن انسانها لازم شمرده است. [۴۲] پاسخ ایشان به ابن عباس، [۴۳] اشعار امام در پاسخ مردی که از کوفه می‌آمد و خبر مخالفت کوفیان با امام را به ایشان داد و در آن مرگ با شمشیر را افضل دانسته است، [۴۴] پاسخ امام به حر که آیا مرا از مرگ میترسانی و اشعاری که خواند، [۴۵] خطبه امام پس از ورود به کربلا و سعادت خواندن مرگ [۴۶] و بسیاری موارد دیگر حاکی از عظمت روحی امام و حقیر شمردن دنیا و مرگ در مقابل مسئولیت و تکلیفی است که برای دستیابی به هدف متعالی حفظ و احیای دین به عهده دارد. امام (ع) پس از ورود به کربلا به ایراد خطبه‌ای در میان یاران و خاندان خویش پرداخت و با بیان اینکه اوضاع، دگرگون، زشتیها ظاهر، فضایل، سرکوب و فراموش شده و از فضیلت‌های انسانی چیزی باقی نمانده مگر اندکی مانند قطرات ته مانده در ظرف آب و سایه شوم ذلت و خواری و بندگی ننگین طواغیت بر زندگی مردم گسترانیده شده است و اینکه در چنین محیط ننگینی «مؤمن» باید به فداکاری و جانبازی دست یازد. مرگ را سعادت و زندگی با ستمکاران را رنج و نکبت میخواند. در ادامه سخن امام (ع) جمله‌ای است که انسانشناسی عمیق آن حضرت را بیان میکند: «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السننهم یحوظونه مادرت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل

الدیانون» [۴۷]. امام (ع) خطاب به دینداران آن روز و هر روز فریاد دارد که «مردمان بندگان دنیایند و دین مایه شیرینی دهانشان. پشتیبانی ایشان از دین تا آنجاست که زندگیشان میگذرد و آنگاه که در بوته امتحان قرار گیرند دینداران کم خواهند بود». آری آدمیان آنگاه که در کوره حوادث و بلا یا و شداید قرار گیرند و به محک گذارده شوند چهرهای واقعی خود را نشان خواهند داد و این سنت الهی است که در جهان جاری است و قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید بسیار دارد و آزمایش را وسیله جداسازی مؤمن از غیر مؤمن و مجاهد از قاعد دانسته است. [۴۸] شدايد و حوادث بزرگ، فارق مردان بزرگ و مردان حقیر، آزاد مردان و بندگان حقیقت طلبان و منفعت جویان، پایمردان و سست عهدان، عملگرایان و شعار دهندگان، صالحان و طالحان خاصان و آلودگان و در یک کلمه دینداران و دنیامداران است و امام (ع) چه خوب از این آزمون الهی سربلند بیرون آمد و بیرق بیداری و آزادگی را بر سرزمین غفلت زدگان و خاموشان برافراشت. صحنه کربلا عرصه آزمایش انسانیت بود و در این عرصه اوج انسانیت و حسیض آن به نمایش درآمد و «سیه روی شد هر که در او غش بود». امام (ع) در اولین سخنرانی خود در کربلا خطاب به لشکریان عمر سعد به موعظه آنان پرداخت و اتمام حجت کرد و گفت: «به خدا سوگند دست ذلت در دست آنان نمیگذارم و از صحنه جنگ مانند بردگان فرار نمیکنم» [۴۹] و در سخنرانی دوم با نكوهش آنان در پیمان شکنی چنین فرمود: «آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، ما را بین دو چیز قرار داده است. شمشیر و ذلت، و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم.» [۵۰]. بیان صریح، موضع قاطع، تصمیم راسخ و اراده شکست ناپذیر امام (ع) مبنی بر آزادمنشی و تن به ذلت ندادن از این عبارتها پیداست. «هیهات منا الذلّه» شعاری است که امام حسین (ع) با ریختن خون خویش، آن را به اثبات رسانید و این ضربه بزرگی بود برای برانگیزاندن غیرت دینی و شور مذهبی مردم و بیدار کردن فطرت خواب رفته آنان که با پشت پا زدن به همه ارزشهای انسانی و اصول ایمانی، زیر بار ذلت بنی امیه سر خم کرده بودند و به منافع دنیایی پست و حقیر خود می اندیشیدند. کلام آخر در این زمینه سخن امام خطاب به سپاهیان بنی امیه و در حقیقت خطاب به همه جهانیان در هر زمان و مکان است؛ پس از اینکه همه یاران و اصحاب و برخی اولاد امام (ع) به شهادت رسیدند و امام (ع) دلیرانه دست به حمله های پیاپی زد. برای تضعیف روحیه حضرت (ع) به سوی خیمه ها حمله آغاز کردند امام (ع) با صدای بلند و رسا فریاد زد: «یا شیعه آل ابی سفیان، ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم و ارجعوا الی احسابکم ان کنتم عربا کما تزعمون» [۵۱]. «ای پیروان خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز بازپسین نمی هراسید لااقل در زندگی دنیاتان آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می پندارند به حسب و نسب خود باز گردید (و شرافت انسانی خود را لگدمال نکنید)». آری شأن بزرگ قیام عاشورایی امام حسین (ع) انسان سازی و حریت بخشیدن است درسی که در هر عصر و نسلی میتوان آن را آموخت و به تجربه نشست. امام راحل «ره» آورده است «اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی باید از تاریخ استفاده کند... از تاریخ اسلام استفاده کند» [۵۲] «حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است. اصلا حرف روز را سیدالشهدا آورده است دست ماها داده است. سیدالشهدا همه جا هست. این نهضتها مرهون امام حسین سلام الله علیه است.» [۵۳] «عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و متکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد» [۵۴] «این خون سیدالشهدا است که خونهای همه ملت های اسلامی را به جوش می آورد» [۵۵] «سیدالشهدا... در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است» [۵۶] وجدان خفته مسلمانان بعدها بیدار شد و نهضتهای چندی رخ داد و موجبات سقوط بنی امیه را فراهم ساخت و در طول تاریخ نیز درس بزرگی برای همه آزادخواهان و آزاداندیشان گردید. [۵۷].

## پاورقی

- [۲] توماس کارلایل نویسنده مشهور انگلیسی زبان در کتابش که به عربی ترجمه و به «الابطال» موسوم است مینوسید: «قتل علی فی محراب عبادته لشده عدله».
- [۳] رک: حماسه حسینی. ج ۳ ص ۲۸.
- [۴] همان. ص ۷۷ به نقل از تاریخ ابن خلکان، ج ۴ ص ۳۲۸.
- [۵] رک: رساله جاحظ (درباره معاویه و امویان) - تحقیق عزت عطار ص ۱۶.
- [۶] حماسه حسینی. ج ۳ ص ۱۰۳ و ۱۲۵ و ۲۱۹.
- [۷] رک: مقتل الشمس - محمد جواد صاحبی. ص ۴۰ به نقل از مروج الذهب ج ۳ ص ۶۶.
- [۸] مع السجوم فی ترجمه نفس المهموم. علامه شعرانی. ص ۲۵۲.
- [۹] رک: بررسی تاریخ عاشورا - آیتی. مقدمه علی اکبر غفاری. ]
- [۱۰] بخش اول این خطبه که شامل احادیثی از ذات مقدس رسول الله (ص) در باب فضایل مولا- علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. در کتاب «اسرار آل محمد» ترجمه کتاب سلیم بن قیس. متوفای ۹۰ هجری. مترجم نامعلوم ص ۱۸۵-۸ مطالعه بفرمایید؛ با این تفاوت که در آن کتاب تاریخ ایراد خطبه را یکسال قبل از مرگ معاویه میدانند. دو بخش بعدی را نیز در کتاب «ولایت فقیه یا حکومت اسلامی» حضرت امام خمینی (ره) ص ۱۲۵ به بعد، به نقل از «تحف العقول» محدث حسن بن شعبه حرانی قرن چهارم ببینید.
- [۱۱] و علی السلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید. رک: سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا - محمد صادق نجمی، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، بهار ۷۰، ص ۱۶ به نقل از لهوف، ص ۲۰ - مثیر الاحزان، ص ۱۰ - مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۱۸۵.
- [۱۲] «و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (ص) ارید ان... أسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب...» رک: همان ص ۲۳ - به نقل از مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸ - مقتل عوالم ص ۵۴.
- [۱۳] و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فان السنه قد امیتت و البدعه قد احییت» رک: همان، ص ۴۸ به نقل از طبری. ج ۷ ص ۲۴۰.
- [۱۴] «ایها الناس ان رسول الله (ص) قال من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله ناکثا عهده مخالفا لسنه رسول الله (ص) يعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله. الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشیطان و ترکوا اطاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفیء و احلوا حرام الله و حرموا حلاله» رک: همان ص ۱۲۸ به نقل از طبری ج ۷ ص ۳۰۰ - کامل ابن اثیر. ج ۳ ص ۲۸۰ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۳۴ - انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۷۱.
- [۱۵] رک: همان. ص ۱۵۵ به نقل از تحف العقول. ص ۱۷۴ - طبری ج ۷ ص ۳۰۰ - مثیر الاحزان ص ۲۲ - ابن عساکر ص ۲۱۴ - مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۵ - اللهوف ص ۶۹ در همین خطبه است که امام (ع) سخن مهم و جمله معروف خود را که باید آن را مبنای انسانشناسی آن حضرت دانست، بیان میکند. «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتم... مردم بندگان دنیاند و دین لقلقه زبانشان است. حمایت آنان از دین تا وقتی است که زندگیشان در گذر است و آنگاه که آزمایش شوند دینداران اندک خواهند بود» آری حقیقت انسانها و گروهها و اصالت شعارهایی که میدهند جز از راه آزمایش در گرفتاریها و... به دست نمی آیند. حوادث سخت و آزمایشهای سنگین، فارق دینداران واقعی و ظاهری است و خوب را از بد، صالح را از طالح و خالص را از آلوده جدا میسازد و گویی همه مردم چنینند. اللهم نجتنا من الفشل.
- [۱۶] قرآن کریم، سوره حدید. آیه ۲۵: لقد ارسلنا رسلنا و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس



شدید... .

[۱۷] برای نمونه رک: هود / ۱۱۶ - مائده / ۷۹.

[۱۸] نهج البلاغه علی (ع) ترجمه و شرح فیض الاسلام.

[۱۹] رک: پی‌نویس شماره ۱۱.

[۲۰] رک: سخنان حسین بن علی (ع) صص ۲۰ و ۲۲ به نقل از مقتل خوارزمی ج ۱، ص ۱۸۶ - مقتل عوالم، ص ۵۴.

[۲۱] فبدأ الله بالامر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضه منه لعلمه بانها اذا ادبت و اقيمت استقامت الفرائض كلها هينها و صعبتها و ذلك ان الامر بالمعروف و النهي عن المنكر دعاء الى الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم و قسمة الفی و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها وضعها في حقها... ولايت فقيه. حضرت امام خميني. ص ۱۲۵- نیز: بحار الانوار - مجلسی - ج ۱۰۰ - ص ۷۹.

[۲۲] البته باید گفت امر به معروف و نهی از منکر در این سطح وسیع که برقراری عدالت اجتماعی و ریشه‌کنی ظلم و فساد و اصلاح دین و جامعه را به دنبال خواهد داشت تنها با امر به معروف و نهی از منکر زبانی آن هم فردی، امکان‌پذیر نیست. بلکه دستگاه منظمی را می‌طلبید که با برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیق به این مهم دست یازد و به همین خاطر است که برقراری حکومت اسلامی را باید یکی از مصداقهای عمده و مهم امر به معروف دانست که در سایه آن سایر معروفها اقامه و از مانهی بازداشته میشود.

[۲۳] امام در وصیتنامه‌اش خطاب به محمد حنیفه قیام خود را «اصلاحی» و خود را مصلح نامیده است و برخواست خود مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر تصریح کرده است. رک: پی‌نویس شماره ۱۲. در جای دیگر امام (ع) خطاب به سپاهیان حر با استناد به حدیثی از حضرت رسول (ص) به بررسی مفساد و جنایتهای حکومت بنی‌امیه پرداخته و انگیزه قیام خود را نهی از منکر می‌شمارد. رک: پی‌نویس شماره ۱۴. نیز پس از ورود به کربلا- در اولین خطبه در جمع یاران و اهل بیت خود می‌گوید: «مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمیشود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد.» الا- ترون الى الحق لا- يعمل به والی الباطل لا یتناهی عنه. رک: پی‌نویس شماره ۱۵.

[۲۴] برای نمونه آیه ۸۰ سوره هود / آیه ۴۱ سوره حج که در اولی قدرت را وسیله منع از شر و در دومی برقراری امر به معروف و نهی از منکر را پس از به دست آوردن قدرت در زمین، از شرایط ذکر میکند.

[۲۵] نامه‌ای از امام. حضرت امام خمینی ص ۳۴ در حکومت بنی‌امیه مبانی اسلام کاملاً- مورد تهدید قرار گرفت و به آنها جلوه وارونه داده شد و در زمان یزید به اوج خود رسید. مدار خلافت اسلامی تبدیل به سلطنتی جائزانه و غیر دینی و بلکه ضد دینی شده بود. نفاقها که تاکنون زیر پرده پنهان بود برافتاد و خصومت امویان کیان اسلام و دین آشکار شد.

[۲۶] انا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و مهبط الرحمة بنا فتح الله و بنا یختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمة معطن بالفسق و مثلی لا یبایع مثله و لکن نصب و تصبحون و نظرو و تنظرون اینا احق بالخلافة و البیعة، رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۱ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۱۶-۸ - کامل ابن‌اثیر ج ۳ ص ۲۶۳-۴- ارشاد مفید، ص ۲۰۰ مثير الاحزان، ص ۱۰ - مقتل خوارزمی، ص ۱۸۲ - لهوف، ص ۱۹.

[۲۷] رک: پی‌نویس شماره ۱۱.

[۲۸] رک: پی‌نویس شماره ۱۳.

[۲۹] «فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب و الاخذ بالقسط و الدائن بالحق و الحابس نفسه علی ذات الله» رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۵۱ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۳۵ کامل ابن‌اثیر ج ۳ ص ۲۶۷ - ارشاد مفید ص ۲۰۴ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۹۵-۶.

[۳۰] رک: سخنان حسین بن علی (ع). ص ۸۶ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۶۴ - طبری ج ۷ ص ۲۷۸ - کامل ابن‌اثیر ج ۳ - ص ۲۷۶ ارشاد مفید ص ۲۱۸ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۲۳ - البدایة و النهایة ج ۸ ص ۱۶۶. امام از دو راهی سرنوشت‌ساز تاریخ

سربلند بیرون آمد. حضرت در صورت عدم پاسخ مثبت دادن به نامه‌های کوفیان در مقابل تاریخ محکوم میشد که از فرصت به دست آمده استفاده لازم را نکرد. از سوی دیگر با پاسخ مثبت دادن به درخواست مردم کوفه و فرستادن سفرا و حرکت به سوی آنان، علاوه بر اتمام حجت بر مردم، موجبات محکومیت آنان را در مقابل تاریخ فراهم آورد که علی‌رغم نامه‌نگاریهای فراوان و دعوت کردنها، با حسین (ع) آن کردند که کردند. پدر بزرگوارشان علی (ع) نیز پس از هجوم جمعیت مسلمان به سوی او در پی قتل عثمان با اتمام حجت بر آنان حکومت بر آنان را پذیرفت. علی‌رغم اینکه کوتاهیهای فراوانی از ناحیه آنان دیده بود و میدید.

[۳۱] رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۱۶ به نقل از طبری ج ۷ ص ۲۹۷ - ۸ - کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۸۰ - ارشاد مفید ص ۲۲۴ - ۵ - مقتل خوارزمی ص ۲۳۱ - ۲.

[۳۲] رک: پی‌نویس شماره ۱۰.

[۳۳] رک: کامل ابن اثیر: ج ۳ - ص ۲۶۴.

[۳۴] رک: پی‌نویس شماره ۲۸.

[۳۵] رک: پی‌نویس شماره ۲۰.

[۳۶] این نزدیک طبق نقل صاحب لهوف «عمر اطرف» فرزند امیر المؤمنین (ع) و برادر اوست. ص ۲۳.

[۳۷] رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۲۴ به نقل از لهوف ص ۲۳.

[۳۸] رک: همان. ص ۲۹ به نقل از مقتل عوالم ص ۵۴ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۸۸.

[۳۹] رک: پی‌نویس شماره ۲۰.

[۴۰] رک: سخنان حسین بن علی (ع). ص ۳۹ به نقل از لهوف ص ۲۶ - مشیر الاحزان ص ۲۰.

[۴۱] رک: همان. ص ۴۶ به نقل از لهوف ص ۲۵ کامل الزیارات ص ۷۵.

[۴۲] رک: همان ص ۵۶ به نقل از لهوف ص ۵۳ - مشیر الاحزان ص ۲۱.

[۴۳] رک: همان. ص ۶۱ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۶۲ - طبری ج ۷ ص ۲۷۵ - کامل ابن اثیر ج ۴ ص ۳۹.

[۴۴] رک: همان. ص ۱۰۹ به نقل از ابن عساکر ص ۱۶۴ - مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۲۳۳ - مناقب ج ۴ ص ۹۵.

[۴۵] رک: همان ص ۱۲۴ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۷۱.

[۴۶] رک: پی‌نویس شماره ۱۵ در معانی الاخبار شیخ صدوق روایتی از امام سجاد (ع) منقول است که هر چه در روز عاشورا کار

سختتر میشد رنگ رخسار امام حسین (ع) برافروخته‌تر و آرامتر میشد تا آنجا که دیگران میگفتند «انظروا لایالی بالموت» او را

بینید که از مرگ هراسی ندارد ص ۲۸۹.

[۴۷] ر. ک: پی‌نویس شماره ۱۵. سنت وفای به عهد و عمل بر اساس پیمان، سنت نیکویی بود که حتی قبل از اسلام در میان قبایل

جاهلی رواج داشت اسلام نیز بر این سنت صحه گذارد. اما با روی کار آمدن معاویه این سنت رفته رفته کمرنگتر شد. حتی پیمان

صلح با امام حسن (ع) نیز از سوی معاویه زیر پا گذاشته شد. امام حسین (ع) در جای جای سفر خود نامه‌ها و بیعت آنان را

یادآوری میفرماید. کوفیان چه بد از عهده آزمایش بر آمده و سست عهدی خود را نشان دادند.

[۴۸] برای نمونه: عنکبوت / ۲ / محمد / ۳۲.

[۴۹] رک: سخنان حسین بن علی (ع) ص ۱۹۴ به نقل از انساب الاشراف ج ۳ ص ۱۸۸.

[۵۰] الا ان الدعی بن الدعی قد رکزین اثنتین بین السله و الذله و هیات منا الذله. رک: همان. ص ۱۹۱ به نقل از تحف العقول ص

۱۷۱ مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۷ - ۸.

[۵۱] رک: همان. ص ۲۹۵ به نقل از مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۳۳.

[۵۲] صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۵.

[۵۳] همان، ج ۸، ص ۶۹-۷۰.

[۵۴] همان، ج ۹، ص ۵۷.

[۵۵] همان، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

[۵۶] همان، ج ۱۷، ص ۵۸.

[۵۷] حضرت امام خمینی «ره» مطالب دیگری نیز پیرامون قیام ابا عبدالله الحسین (ع) ذکر کرده اند. عمل به تکلیف الهی و قرآنی، برای خدا بودن قیام، آینده‌نگری امام (ع)، حرمت تقیه هنگام در خطر بودن دین خدا و آبیاری ریشه انقلابها و نهضتها در جهان از جمله آن موارد است. پرداختن به هر کدام از نکات فوق تفصیلی را میطلبند و از سوی دیگر هر کدام از انگیزه‌های فوق. به نحوی ذیل محورهای احیاگرانه قرار می‌گیرد بنابراین از طرح مجزای آن صرف نظر شد.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

